



تحلیلی بر نقش سرمایه اجتماعی در افزایش زیست پذیری محلات شهری

مطالعه موردی شهر سراب

مهری امینی پور

دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

میر سعید موسوی

دانشیار گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

mirsaiid@gmail.com

حسن ستاری ساربانقلی

دانشیار گروه شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۵

دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۰

چکیده

ترکیب و چینش فضا برای سرمایه اجتماعی قبل از هر چیز بر منطقی تکیه می کند که حاکی از استقلال و خودآیینی فضا - مکان جغرافیایی است. به عبارت دیگر فضای جغرافیایی مبتنی بر انگاره کانتی ظرف پدیده های اجتماعی - اقتصادی و معلول کنشگری حوزه های غیر فضایی نیست بلکه آغاز گر بسیاری از کنشها است. کنش زیست پذیری شهری به مثابه کالایی عمومی و فضامند، در واقع محصول مناسباتی همانند سرمایه اجتماعی است. تحقیق حاضر به روش توصیفی تحلیلی پیش می رود و با استفاده از آزمون های آماری ربط و پیوست متغیر سرمایه اجتماعی به زیست پذیری شهر سراب را مورد سنجش قرار می دهد. ابزار تحقیق پرسشنامه که به روش نمونه گیری تصادفی ساده به سنجش تاثیر شاخص های متغیر سرمایه اجتماعی بر زیست پذیری شهر سراب پرداخته ایم. نتایج آزمون رگرسیونی حاکی از این است که زیست پذیری شهر سراب از تغییرات سرمایه اجتماعی متاثر می شود.

کلید واژه: سرمایه اجتماعی، زیست پذیری، فضای شهری، کالای عمومی، سراب



مقدمه

در طول چند دهه‌ی گذشته، اکثر شهرها در سراسر جهان با رشد بی‌سابقه جمعیت و صنعتی شدن، گسترش سریعی را تجربه کرده‌اند (Aulia, 2016: 337) شهرها می‌توانند برای مردم جذاب باشند زیرا کیفیت زندگی راحت و پایدار را با فرصت‌های مختلف از جمله اشتغال، تحصیل و فرهنگ را تضمین می‌کنند که بر افزایش زیست پذیری شهری تاثیر می‌گذارد (Mallick, 2021: 1). حدود ۵۵٪ از جمعیت جهان در حال حاضر در مناطق شهری زندگی می‌کنند که تنها کمتر از ۱٪ از مساحت زمین را تشکیل می‌دهند (Doost Mohammadian et al, 2019: 59) با این حال، گسترش سریع و برنامه‌ریزی نشده شهری، چالش‌های جدی برای رشد شهرها نیز ایجاد کرده‌است. پراکندگی شهری و حومه نشینی، زیرساخت‌ها و تراکم ترافیک را افزایش داده است و باعث گسترش فیزیکی شهرها شده‌است (McDonald et al, 2011: 105, Park et al, 2011). زیست پذیری شهری به فضا - مکان پیوند می‌خورد و بدون چشم انداز شهری مطلوب و طراحی محیطی در مقیاس انسانی زیست پذیری شهری به وجود نخواهد آمد. تحقیق در خصوص زیست پذیری در سالهای اخیر به عنوان یک موضوع کلیدی شهری در دنیا مطرح می‌باشد (Harm Kaal, 2011: 27) و یک شرایط آرمانی است که به واسطه آن شهر توانایی ایجاد یک زیستگاه مناسب برای فراهم نمودن یک زندگی با کیفیت و لذت بخش می‌باشد و یک کاربرد اجرایی در پایدارسازی بافت های شهری دارد (Setijanti&others, 2014: 211). ترکیب و چینش فضا برای سرمایه اجتماعی قبل از هر چیز بر منطقی تکیه می‌کند که حاکی از استقلال و خودآیینی فضا - مکان جغرافیایی^۱ است. به عبارت دیگر فضای جغرافیایی مبتنی بر انگاره کانتی ظرف پدیده های اجتماعی - اقتصادی و معلول کنشگری حوزه های غیر فضایی نیست بلکه آغاز گر بسیاری از کنشها است. افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش نامطلوبیت های اجتماعی با مطلوبیت عناصر فضایی همانند تراکم، منظر شهری، نورپردازی مناسب، نوع محله و شدت می یابد و در نهایت کیفیت زندگی و حس مکانی و تعلق اجتماعی را تحت تاثیر قرار دهد. تمام پدیده های اجتماعی متحمل بعدی فضایی هستند. مقوله سرمایه اجتماعی نیز مسبوق به همین قاعده دارای بعدی فضایی و جغرافیایی است. با توجه به شهرنشینی گسترده و تبدیل شدن آن به الگوی غالب زیستی (Field, 2009: 88) و حتی شکل گیری

^۱ - برگرفته از مفهوم هنر خودآیین پست مدرنیستی. این مفهوم متفاوت از مفهوم مدرنیستی هنر برای هنر است که از طرف بنژامین کنستان در سال ۱۸۰۴ باب شد و تو سط بودلر و فلور در دهه ۱۸۴۰ و ۱۸۵۰ به صورت ایدئولوژی نظام مند زیبایی پرستی در آمد. این ایدئولوژی با هنر به عنوان کرداری متمایز رفتار می‌کرد که از جهان اجتماعی منفک است. (Heilbron, 1995: 157). قرار گرفتن هنر در خدمت منظوره‌های انسانی در جنبش سوررئالیسم متجلی شد (پیری، ۱۳۹۰). چارلز نیومن بخش عمده‌ی زیبایی شناسی پسا مدرنیستی را واکنشی در قبال موج تئوری سرمایه داری متاخر ارزیابی می‌کند.



پدیده‌هایی همچون جهان شهرها (Geddes, 1915; Sassen, 1991) و مادر شهرهایی که میلیون‌ها انسان را به همراه طیف گسترده و بسیار متنوعی از کارکردها و فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی درون خود جای داده‌اند توجه به شبکه‌های مدنی و اجتماعی برای تداوم وضعیت زیست‌پذیری و کیفیت زندگی بسیار اساسی است. فضاها و شهرها در دوران متاخر چرخش‌های متعددی را از منظر هستی‌شناختی از سر گذرانده‌اند. شهر به مثابه امر جمعی و ابژکتیو محمل این تحول هستی‌شناختی است از این رو فضای شهرها در اثر تغییرات گسترده و شتابان در فرآیند جمعیت‌پذیری و الگوی سکونت و افزایش بارگذاری‌های محیطی و اقتصادی در بسترهای جغرافیایی به توجه بیشتری نیاز دارد (Shomali et al, 2022: 158) و مکان‌ها و فضاها جغرافیایی دارای موقعیت و محتوای ویژه‌ای هستند (Akhbari and Ebrahimi, 2021: 122). تحول هستی‌شناختی فضا، آشفتگی معرفت‌شناختی ناشی از دگرگونی عملکردی و آشکار شدن زوایای دیگری از وجود و ماهیت فضا است (Piri, 2011: 16). فرماسیون سرمایه اجتماعی در طول زمان و در بستر فضا-مکانی مخصوصاً محلات شهری به مثابه یک "رویداد" رخ می‌دهد و تاثیرات اجتماعی - اقتصادی و همچنین منابع اصلی و ساز و کارهای گردآوری آن علت اصلی مطالعات انبوه و فراوانی است که مخصوصاً از دهه ۱۹۹۰ روی این مفهوم صورت گرفته است (Huang and et al, 2009: 454) و در طول دو دهه گذشته تحقیقات زیادی رابطه بین سرمایه اجتماعی و موفقیت تحصیلی، کارایی، حکمروایی، توسعه اقتصادی و بسیاری از پدیده‌های دیگر را نشان داده است (Snelgrove and et al, 2009: 1993). این مفهوم اغلب به همراه مشارکت مدنی و موازی با شبکه‌های همکاری و یکپارچگی است اما مفاهیم بسیار انتزاعی دیگری همراه سرمایه اجتماعی است که عبارتند از: انسجام، اعتماد، معامله به مثل و کارایی نهادی (Franke, 2005: 1). مفهوم مرکزی آن این است که مردم از طریق مشارکت در زندگی جمعی، عضو گروه‌هایی می‌شوند که هویت، هنجارها، اعتقادات و اولویتهای شان را منعکس کرده و در عین حال هم به این هنجارها شکل می‌دهند (Suzuki et al, 2010:). رابرت پوتنام بیشترین سهم را در عمومی کردن و مفهوم سازی سرمایه اجتماعی دارد که توانست آنرا از حالت انتزاع در اندیشه اجتماعی و اقتصادی نجات بخشد (Mohan and et al, 2003: 2, Field, 2018: 12, al, 2005: 1267, Harper and et al, 2010: 11). مطالعه او درباره دموکراسی، سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی در ایتالیا، تمایل عمومی شدیدی نسبت به قابلیت سرمایه اجتماعی در بهبود کیفیت زندگی و تسهیل التزام مدنی بوجود آورد (Besser, 2009: 185).

پیشینه تحقیق

پورمحمدی و همکاران (۱۳۹۰) در نوشتاری تحت عنوان «تحلیلی بر دگرگونی کیفی سرمایه اجتماعی در نظام شهری نمونه موردی: نظام شهری استان آذربایجان شرقی» سرمایه اجتماعی مفهومی چند بعدی و یکی از مهمترین شاخص‌های توسعه یافتگی است که در سال‌های اخیر توسط سازمان‌های بین‌المللی تلاش‌های زیادی به منظور تبیین آن و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی صورت گرفته است. ولی در ادامه به این نتیجه می‌رسد که بین نوع سرمایه اجتماعی با اندازه شهر رابطه وجود دارد. بدین ترتیب که با افزایش اندازه شهر گسترش معکوسی در سرمایه اجتماعی اتصالی اتفاق می‌افتد.

تاج بخش (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی سرمایه اجتماعی بین حاشیه نشینان شهر ایلام» می‌نویسد مطابق با نظریات پوتنام و فوکویاما مشارکت افراد در امور شهری به منظور گسترش اعتماد اجتماعی، رشد و گسترش و تقویت مشارکت رسمی می‌تواند به ارتقای سرمایه اجتماعی در مجموع و در مناطق حاشیه نشین منتهی گردد.

کوئین (۲۰۰۲) در پژوهشی تحت عنوان «نقش سرمایه اجتماعی در کاهش فقر: نقش سازمان‌های جامعه مدنی و دولت»، می‌نویسد آیا استراتژی افزایش سرمایه اجتماعی به کاهش فقر شهری منجر می‌گردد؟ سرمایه اجتماعی به شکل‌های مختلفی تعریف شده و کارشناسان در تعاریف اختلاف نظر دارند. ساده‌ترین فرم سرمایه اجتماعی عبارت است از مشارکت در شبکه‌های غیر رسمی، سازمان‌های ثبتی^۱، انجمن‌ها و دیگر جنبش‌های اجتماعی که نشان دهنده مجموع تجربیات می‌باشد. برخی استدلال می‌کنند که تنها مشارکت در سازمان‌های رسمی می‌تواند به عنوان سرمایه اجتماعی تعریف شده است. دیگران استدلال می‌کنند که مشارکت پراکنده در یک جنبش اجتماعی نیز باید به عنوان سرمایه اجتماعی تعریف شود. اعتقاد بر این است که از طریق عضویت در سازمان‌ها و شبکه‌های مختلف افراد منافع مشترک و هنجارها را توسعه داده شده و به اشتراک گذاشته شده که به نوبه خود به اعتماد و درک بهتر از تفاوت فرهنگی و سبک زندگی منجر می‌گردد.

بیرد و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی تحت عنوان «مقدمه ای بر کانون‌های فضایی فقر» به ارزیابی تعاریف و شواهد کانون‌های فضایی فقر، ارتباط کانون‌های فقر شهری، اهمیت مکان و فضا در تجزیه و تحلیل فقر و سیاست‌های توسعه پرداخته اند. و در ادامه می‌نویسد امروزه میلیون‌ها نفر در کانون‌های فضایی - جغرافیایی فقر، نواحی حاشیه ای و فقدان

¹ - informal networks, registered organizations,



امکانات و خدمات زندگی می‌کنند. معمولاً کانون‌های فضایی فقر در مناطق دور افتاده روستایی و همچنین در سطح محلات فقرنشین و رو به رشد شهرها یافت می‌شوند. در عمل ارائه خدمات عمومی سخت‌افزاری (نظیر جاده‌ها، برق و آب و فاضلاب) و خدمات نرم‌افزاری (نظیر مدرسه و درمانگاه) و تمایل سیاسی به ارائه خدمات نقش موثری در ساماندهی این کانون‌ها دارد که اغلب به شکل سکونتگاه‌های غیر رسمی در پیرامون و نواحی داخلی شهرها شکل گرفته‌اند.

چارچوب نظری

- دیالکتیک سرمایه اجتماعی فضاوند در پارادایم زیست‌پذیری

در نظریه و تجربه شهری متاخر، فضای شهری به مثابه بستر و کنشگر اصلی ساحت‌های مختلف هویت‌های انسانی است که وضعیت‌های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی مختلف خود را بازتولید می‌کند. از این منظر می‌توان گفت که هر نوع زیست‌پذیری دارای گفتمان فضایی است و بدون فضای شهری زیست‌پذیر، هر نوع دیگری از زیست‌پذیری امکان‌پذیر نخواهد بود و نوعی دیالکتیک بر مناسبات فضای شهری و پارادایم مزبور سایه افکنده است. گفتنی است که پرابلماتیک اصلی برنامه‌ریزی شهری در ساحت معرفت‌شناختی و پراتیک شهری همانا فرایپچیدگی‌هایی از نوع جهانی شدن اقتصاد و فرهنگ است که مفاهیم بازنمایی‌کننده همچون سرمایه اجتماعی و نمادین و ... در حقیقت متناظر بر وضعیت‌های متغیر و دگرگون‌شونده در سپهر سیاست و اقتصاد متاخر است. به این معنی که تحولات و پویایی‌های ناشی از امر تنوع شهری زمینه‌ساز ظهور مفاهیم و ساختارهای اندیشه‌شناسی جدیدی است که حکایت از وضعیت شهری نوین است. تحول فضا و زمان در جوامع معاصر باعث دگرگونی معنی عمل اجتماعی می‌شود. کاستلز معتقد است که در جریان شهری شدن، زندگی مادی شکل فضایی خاصی پیدا کرده است که ما آنرا "منطقه مادر شهری" می‌خوانیم. او معتقد است جوامع در فضا و زمان قرار دارند. در جغرافیای انسانی شکل خاص این قرارگیری در فضا و زمان را چشم‌انداز جغرافیایی می‌نامند که حاوی پدیده‌های طبیعی و انسانی در کنشی متقابل است. همچنین کاستلز یکی از جریان‌های رایج در بحرانهای اجتماعی معاصر را شکل گرفتن رابطه‌ای جدید و تاریخی میان فضا و جامعه می‌داند. فضای جدید مادر شهر، فضای بیگانگی جمعی است (Castells, 2010: 235). مارکس این فرایند را تخریب مکان بوسیله زمان می‌داند (Piri, 2011: 29). بر خلاف گذشته هر شهروندی به طور همزمان در میان تار و پودی از فضاها و چند سطحی در مقیاس‌های عملکردی متفاوت همانند جهانی، منطقه‌ای، بین‌المللی و ملی و محلی به تجربه شهری می‌پردازد. هاروی در کتاب ارزشمند "خودآگاهی و تجربه شهری" (Harvey, 1985) به خوبی بر مفهوم چند سطحی از فضای شهری متمرکز شده

1- consouisness and urban experience, 1985

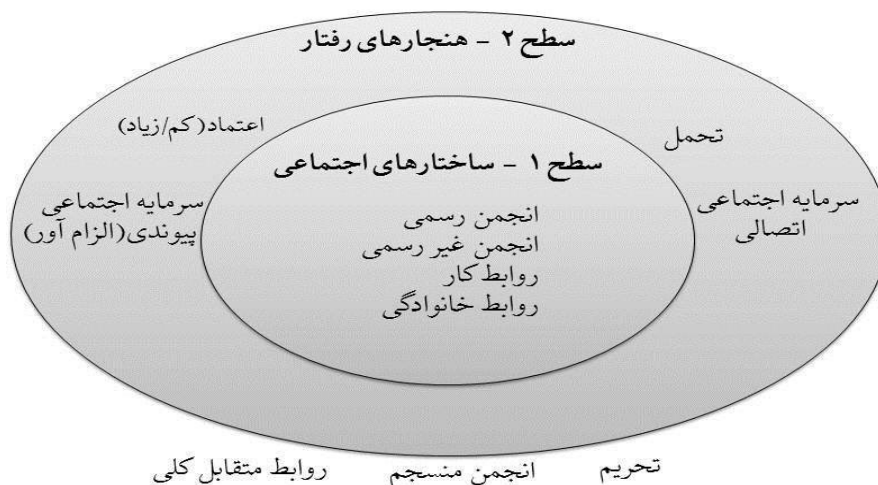


است. به جرات می توان گفت پرابلماتیک اصلی نظام برنامه ریزی شهری در ساحت ملی و منطقه ای و جهانی، فهم و ادراک فرایچیدگی هایی است که اقتصاد شهری، سیاست و فرهنگ و اجتماع شهری را فراتر از هویت های ملی و محلی بازنمایی می کند. همزمان با این تحولات، آموزش برنامه ریزی شهری نیز به ابزاری برای حرفه مندان و متخصصانی تبدیل شده است که فراتر از "زیباسازی فضاهای عمومی" به باز - شکل دهی فضاهای شهری در روند تغییر و توسعه ی شهرها می اندیشد تا از این طریق با شرایط شهری جدید همساز شده و در تولید و بازتولید "فرم شهری به مثابه ی فضای اجتماعی" مشارکت نماید (Palatzo, 2011: 68). برنامه ریزی شهری صرفاً تنظیم ابعاد و تعیین ساختارهای کالبدی متن بزرگ تر شهری نیست بلکه در حال حاضر، فراتر از یک تخصص، به معنای فهم و ادراک حوزه های عمومی کنش ها و واکنش هایی است که سهامداران شهری در سپهر سیاسی شهر انجام می دهند و پیامدهای متقاطع و متکثر این کنش گری زمینه تصمیم سازی و تصمیم گیری نهادها در عصر "هم آیی جهان های موازی ای" است که در ساحت مصرف جمعی، رفاه، تفریح و اوقات فراغت و ایدیولوژی سرمایه داری به توافق نهایی می رسد. بنابراین روال سنتی شهر و شهرداری پاسخگوی این نوع انسان شهری - مصرفی جدید نیست. در ساحت دیگر این انسان شهری - مصرفی جدید به شبکه جهانی و جهانی شدن پیوسته است که از این رهگذر محیط مجازی موجود ذهنیت و سوبژه گی خاصی را برای او به ارمغان می آورد که وضعیت را تشدید می کند. فرم شهری، فضا و مکانی برای تدارک ارتباطات و تعاملات شهری در مقیاس های جغرافیایی مختلف مانند واحد همسایگی، محله، شهر و ... است که هر کدام هستی اجتماعی متفاوتی در قیاس با یکدیگر دارند و بنابراین سرمایه اجتماعی مختلفی را بروز خواهند دارد. رابرت پوتنام از دو نوع سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی^۱ و سرمایه اجتماعی اتصالی^۲ بحث می کند که نوع اول را می توان در همه نوع روابط اجتماعی دید که حاکی از روابط میان اعضای یک شبکه (Chuang, 2008: 1321) و عمق زیاد روابط فردی است که توانایی گروهی برای تحت تاثیر قرار دادن رفتار فردی را تقویت کرده و اعضا را برای کنش در جهت منفعت گروهی تحریک می کند (Besser, 2009: 186). اما نوع دوم مستلزم تولید، مراقبت و بازتولید است که در عرصه عمومی بوجود می آید. این نوع سرمایه اجتماعی شامل پیوندهای بین گروههای مختلف جامعه است که ضرورتاً هویت‌های اجتماعی مشابهی ندارند و به سطوح عدالت اجتماعی، انسجام و احترام متقابل در جامعه به عنوان یک کل (Poortinga, 2006: 256) و به روابط بین افراد از گروههای مختلف و گذار از مرزهای گروهی و در کنار همدیگر آوردن مردم از گروههای مجزا به درون یک اجتماع محلی اشاره دارد (Besser, 2009: 186). تسهیم دانش (Ishihara and Pascuala, 2009: 1550) و انسجام بسیار فراگیر (Titeca and Vervisch, 2008: 2206) بین مردمانی با زمینه های فرهنگی و ارزشی متفاوت)

¹ - Bonding Social Capital (BOSC)

² - Bridging Social Capital (BRSC)

Andrews, 2008: 431) موکول به وجود سرمایه اجتماعی اتصالی است که مرزهای تعیین یافته طبقه ای، قومی و جنسیتی را در می نوردد و همچنین می تواند شامل پیوندهای افقی میان گروههای دینی به منظور گسترش تفاهم های بین دینی یا الزام به فعالیتهای مدنی همانند پشتیبانی از برنامه های کاهش فقر باشد (Schneider, 2007: 578) (شکل ۱).



شکل ۱ - چارچوب مفهومی سرمایه اجتماعی در زیست پذیری شهر

Source: woodhooz, 2016: 2269

- زیست پذیری شهری به مثابه کالای عمومی در توسعه شهری:

چنانچه اشاره کردیم در نسبت و در مقیاس رابطه ای فضا، مردم و مکان، دو سوی مفهوم زیست پذیری هستند به عبارت دیگر بستر فضایی شهر ابتدا باید امکان فرماسیون رابطه های انسانی را در سطح و مقیاس مناسب فراهم آورد که مهمترین نهاد و خروجی این مناسبات همانا زیست پذیری است که در سال های اخیر به عنوان یکی از مهمترین زیرساخت های اجتماعی توسعه شهری - منطقه ای و ملی مورد نظر بوده است. بحث درباره ویژگی های شهر زیست پذیر به سال ۱۹۵۸ زمانی که مجله معماری منظر مجموعه مقالات کوتاهی از طراحان حرفه ای و دانشگاهیان درباره ایجاد شهر زیست پذیر منتشر کرد باز می گردد جالب اینکه هیچ کدام از نویسندگان این مقالات، اصطلاح زیست پذیر یا زیست پذیری را در نوشته های خود نیاورده بودند این مقالات به جای پرداختن به مشکلات جاری شهری، به زشتی های مدرنیسم، علل رهایی شهر به نفع حومه و راهکارهایی برای جذاب تر کردن مراکز شهری توجه کرده بودند آنها واژه زیست پذیری را در اداره ملی هنر آمریکا در سال ۱۹۷۰ برای اولین بار و به منظور دستیابی به ایده های برنامه ریزی شهری مدنظر قرار دادند و بعدها، مراکز و سازمان های تحقیقاتی دیگر این واژه را به کار گرفتند (Larice , 2005). زیست پذیری فضامند شهری صرفا در بخش خصوصی و مربوط به این بخش

نیست بلکه کالایی عمومی است که توسط سیاست گذار در عرصه فضایی شهر بازتولید می شود به عبارت دیگر جنبه ای از این عرصه عمومی، فضایی - کالبدی است که متقارن با انتظام نهادی است. به این ترتیب که هرچه قدر حکومت شهری واجد بنیادهای دموکراتیک و مبتنی بر ارزشهای برخاسته از اجتماعات محلی باشد به همان میزان دارای عرصه های عمومی فراختر و بازتر خواهد بود. هم در حوزه رسانه های جمعی و هم در حوزه فضاهای شهری. مهمترین عرصه فعالیت نظم نهادی - فضایی مبتنی بر عقلانیت ارتباطی، ارائه کالاهای عمومی و حفاظت از حوزه عمومی است. در واقع مهمترین وظیفه حکومت تهیه کالاهای عمومی است (Zhang, 2004: 2859). این کالاها از اموال خصوصی متمایز است و حالت همگانی دارند به عنوان مثال، غذا از مصادیق کالاهای خصوصی است اما بهداشت مواد غذایی از مصادیق کالاهای عمومی است (Patrik, 2002: 31) به عبارتی مصادیق بارز کالاهای عمومی عبارتند از هوای پاکیزه، چراغ خیابانها، دفاع ملی، قانون و نظم (همان منبع). باید به این لیست مراقبتهای بهداشتی و درمانی، آموزش و حتی حفظ سطح حداقل درآمد و آزادی را بیافزاییم. از نظر فضایی، مکان یابی مناسب خدمات شهری و حفظ دسترسی ها نیز کالایی عمومی محسوب می شود. هاروی معتقد است که مکان یابی را به عنوان شکل خاصی از نظریه حاکم بر تامین کالاهای عمومی در نظر آوریم (Harvey, 2003: 89). کالاهای عمومی هم می تواند توسط بخش خصوصی هم به وسیله بخش دولتی تهیه و عرضه شود. در حالت اول قیمتها به عنوان عاملی برای حل تناقض میان ضرورت فنی تولید در معدودی نقاط مشخص فضا و ضرورت فیزیکی مصرف در نقاط متعدد و پراکنده عمل خواهند کرد. اما هاروی معتقد است که ساز و کار بازار در امر مکان یابی کالاهای عمومی و رساندن نظام به تعادل پاره تو کارآمد نیستند. همانطور که این ساز و کارها در بازار مسکن نیز ناموفق هستند. زیرا الگوی مکان یابی که از طریق منحنی های عرضه و تقاضا شکل می گیرد، ضرورتاً منطبق بر تعادل پاره تو نیست (Ibid, 85). در حالت دوم دخالت دولت در تامین و عرضه کالاهای عمومی ناشی از ناکارآمد بودن ساز و کارهای بازار در ارائه آنها است زیرا نمی توان قیمت مناسبی برای این کالاها مشخص کرد بنابراین این کالاها (خدمات آموزشی، آتش نشانی و پلیس و) توسط دولت تامین می شود. اما معضل کالاهای عمومی، سواره گیری مجانی^۱ است به این معنی که افراد جامعه یا از پرداخت هزینه های تامین آنها خودداری می کنند و یا مالکیت آنرا خصوصی می کنند که این معضل بنیادین همکاری را دانشمندان علوم اجتماعی تحت عناوینی چون مصیبت اراضی مشاع^۲، منطق کنش جمعی^۳، دوراهی زندانی^۴ و ... تحلیل کرده اند (Tajbakhsh, 2006: 94). به عنوان مثال

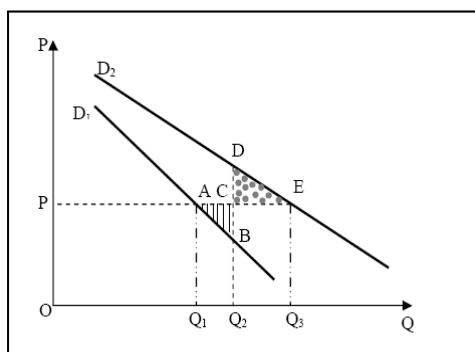
1- Free rider

2- Tragedy of the commons

3- The logic of collective action

4- Prisoner's dilemma

هزینه های زیست محیطی ناشی از مکان یابی نامناسب تاسیسات صنعتی و یا آلودگی هوای ایجاد شده توسط کارخانجات بخش خصوصی و دولتی، نمونه ای از آن است. در بسیاری از شهرهای جهان سوم، مردم فقیر شهر به طرز نامتناسبی تاثیرات منفی آلودگی آب، زمین و هوا را تجربه می کنند و این در حالی است که درآمدهای فزاینده بین گروههای طبقه متوسط و ثروتمند در همان شهرها باعث تراکم ترافیک و قیمت های سر به فلک کشیده زمین و مسکن می شود (Baud and Dhanalakshmi, 2007: 134). با آشکار شدن محدودیتهای عقلانیت اقتصادی (Sen, 2009; Harvey; 1973, Habermas, 1984)، تهدید حیات اجتماعی (Jacobs, 1961; Andrews, 2008) و بوم شناختی (Harding, 2006) با متروپلیتن بیشتر از آنکه به عنوان نماد توسعه اقتصادی و پیشرفت برخوردار شود بلکه از منظر افزایش نابرابری های منطقه ای (Daneshpoor, 2006) و گردش نامتعادل سرمایه ملی نگرینسته شد. در نظام اجتماعی - اقتصادی سرمایه داری، سرمایه، عبارت از هرگونه ذخیره ارزشی است که کنش را تسهیل می کند (waldstorm, 2008: 1498) و از اینجا زیست پذیری چیزی است که در اختیار شبکه محلی قرار می گیرد اما زیست پذیری در بین مناطق جغرافیایی کالایی عمومی است که در صورت توزیع نامتناسب آن علاوه بر بی عدالتی اجتماعی - اقتصادی باعث تحمیل بی عدالتی فضایی و اکولوژیکی نیز می شود که در شکل زیر آمده است (شکل ۱). اگر فرض کنیم که کالای عمومی (تولید فضای زیست پذیر شهری) Q مورد نظر دو منطقه است اما سطح نامتعادل این تولید در بین دو منطقه بیشتر باشد تابع تقاضای منطقه اول با $D1$ و تابع تقاضای منطقه دو را با $D2$ نشان می دهیم. اگر دولت به اندازه OP مخارج سرانه بر روی این کالا داشته باشد. در این قیمت تقاضای منطقه اول برابر با $Q1$ و تقاضای منطقه دوم برابر با $Q2$ است. با توجه به اینکه دولت نمی تواند برآورد مناسبی از تقاضا داشته باشد بنابراین در هر دو منطقه به اندازه $Q3$ تولید می کند. در این حالت منطقه اول به اندازه مثلث ABC سود رفاهی و منطقه دوم به اندازه مثلث CDE زیان رفاهی را متحمل خواهد شد (شکل ۲).



شکل ۲- زیست پذیری به مثابه کالایی عمومی

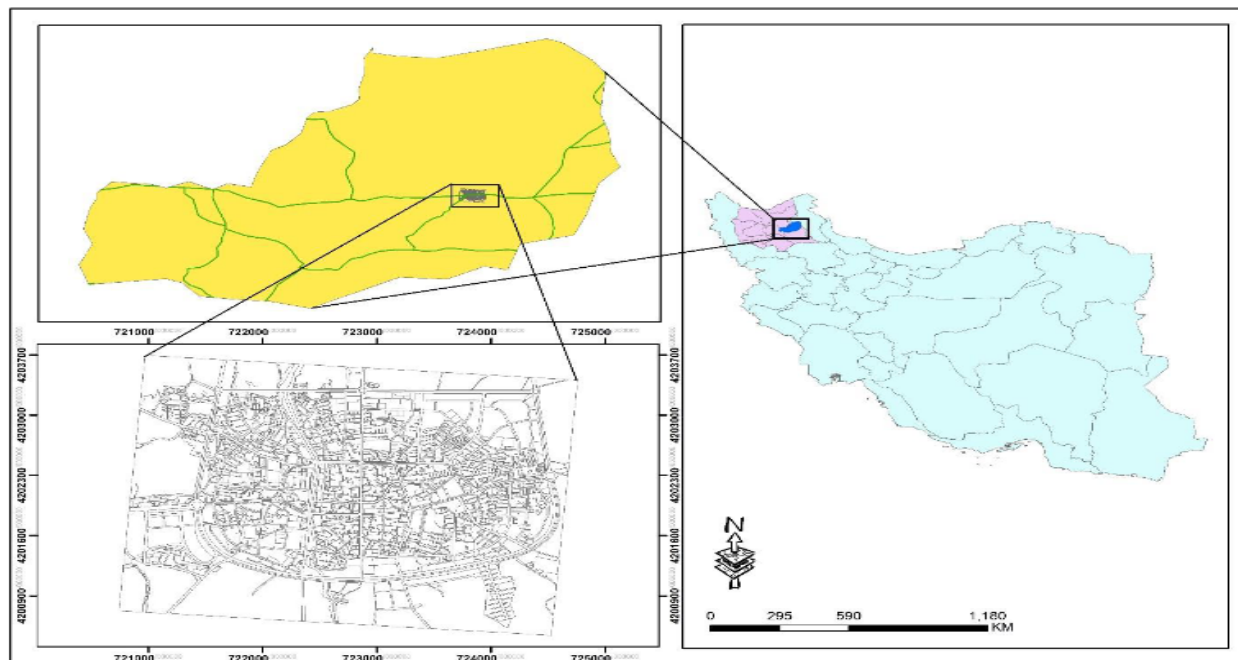
Figure 2. livability as public goods

Samimi, 2005: 14

سود رفاهی همان تولید و حفظ شرایط بازتولید زیست پذیری برای اهداف توسعه شهری است که در شکل فوق با مثلث ABC است. اهداف توسعه محله و شهری با بازتولید زیست پذیری در سطح مثلث فوق امکان می یابد و فقدان آن زیان رفاهی و بالطبع فقدان زیرساخت مطلوب توسعه را فراهم می کند.

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر سراب در مختصات ۴۷ درجه و ۳۴ دقیقه طول شرقی و ۳۷ درجه و ۵۷ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. ارتفاع آن از سطح دریا ۱۶۸۰ متر است فاصله سراب تا تبریز ۱۲۶ کیلومتر است (شکل ۱). در سال ۱۳۸۵ جمعیت شهر سراب با افزایش ۵۶۱۶ نفر نسبت به ۱۳۷۵ به ۴۲۳۳۵ نفر می رسد و با افزایش ۲۵۱۱ نفری در سال ۱۳۹۰ به ۴۴۸۴۶ نفر رسید که نرخ رشد ۱/۱۵ درصدی را نشان می دهد. در سرشماری سال ۱۳۹۵ جمعیت شهر سراب با نرخ رشد ۰/۰۸ درصد به ۴۵۰۳۱ نفر رسید (جدول ۱ و شکل ۳).

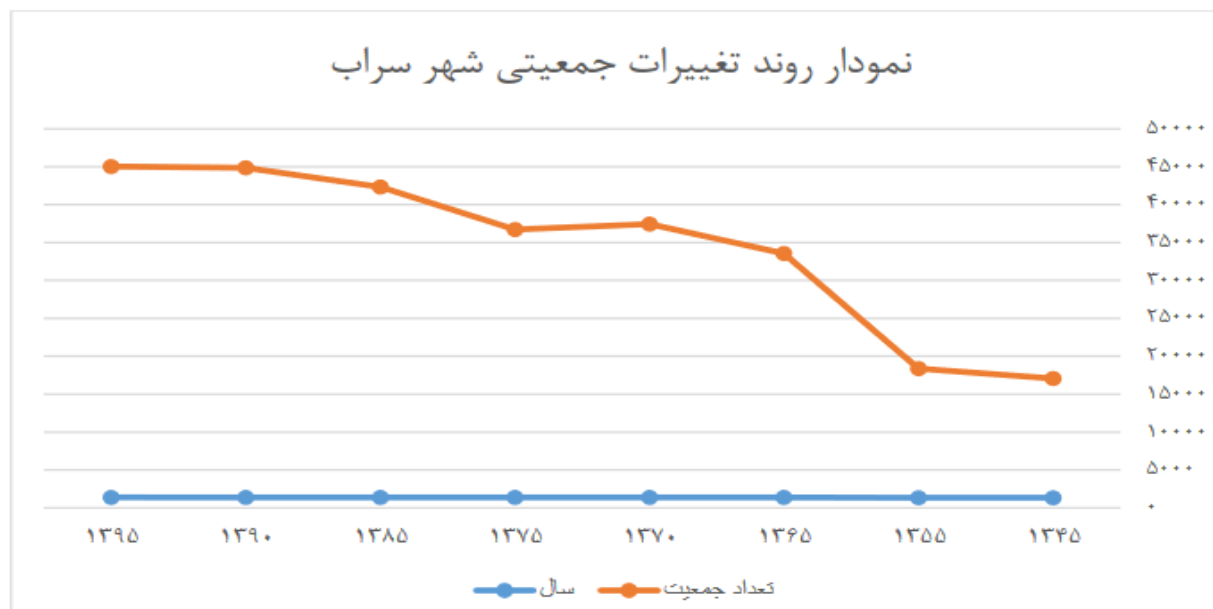


شکل ۳: محدوده مورد مطالعه

جدول ۱- روند تغییرات جمعیتی شهر سراب در طی دوره های سرشماری

سال	تعداد خانوار	تعداد جمعیت	بعد خانوار	نرخ رشد
۱۳۴۵	۲۸۵۱	۱۷۰۶۳	۵/۹۸	۰
۱۳۵۵	۳۴۴۴	۱۸۳۶۱	۵/۳۳	۰/۷۳
۱۳۶۵	۶۴۳۴	۳۳۵۵۲	۵/۲۱	۶/۰۳
۱۳۷۵	۸۰۴۱	۳۶۷۱۹	۴/۵۷	۰/۹۰
۱۳۸۵	۱۰۷۱۷	۴۲۳۳۵	۳/۹۵	۱/۴۲
۱۳۹۰	۱۳۱۹۰	۴۴۸۴۶	۳/۴	۱/۱۵
۱۳۹۵	۱۴۰۷۲	۴۵۰۳۱	۳/۲	۰/۰۸

منبع: سرشماری نفوس و مسکن شهر سراب از سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵



نمودار روند تغییرات جمعیتی شهر سراب در فاصله سرشماری های ۱۳۴۵ - ۱۳۹۵

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و نوع تحقیق کاربردی است. واحد تحلیل از نظر مقیاس فضایی کل شهر سراب و از نظر جمعیتی، نفر است. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۳۰۰ نفر در نظر گرفته شده است روش نمونه گیری تصادفی ساده و ابزار جمع آوری داده هم پرسشنامه بوده است که در قالب طیف لیکرت پنج سطحی (از خیلی کم تا خیلی زیاد) اندازه گیری شده اند. پایایی ابزار تحقیق بوسیله آلفای کرونباخ سنجش شده است. در مدل تجربی زیر ابعاد و شاخص های مورد سنجش بیان شده است. میانگین آلفای کرونباخ سازه های تحقیق ۷۵ به دست آمده است (جدول ۲)

جدول ۲ - آلفای کرونباخ سازه های تحقیق

Table 2. Cronbach's alpha of research constructs

متغیرها	سازه	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
سرمایه اجتماعی اتصالی BRSC	اعتماد به همسایگان و غریبه ها	۴	۰/۶۰
	همکاری مردم شهر در مسائل بهداشتی و آسیب های اجتماعی	۴	۰/۵۳
	(NGO) حضور در فعالیتهای مدنی مانند عضویت در نهادهای غیر رسمی)	۵	۰/۵۵
	وجود نهادهای قانونی برای محافظت از حقوق مالکیت	۶	۰/۶۸
	مسئولیت پذیری شهرداری و سایر ادارات شهر در برآوردن مناسب خدمات شهری و حل مشکلات	۵	۰/۷۱

۸۱/	۳	شرکت در انتخابات و داشتن کنش سیاسی	سرمایه اجتماعی مربوط کننده LSC
۸۰/	۶	اعتماد به خویشاوندان و دوستان نزدیک	
۷۳/	۵	دریافت کمک مالی از دوستان نزدیک و خویشاوندان	
۶۳/	۴	اعتقاد به انجام فعالیتهای اقتصادی و کسب و کار با مشارکت خویشاوندان و دوستان نزدیک	

بحث و یافته ها

مهمترین یافته های توصیفی تحقیق حاضر شامل جنسیت، سواد و تحصیلات، محل اولیه تولد، اشتغال و ... می باشد. براساس نتایج به دست آمده از ۳۰۰ نفر ۸۰٪ درصد پاسخگویان مرد و ۴۰٪ درصد زن می باشد. وضعیت تاهل این نتایج را به دست داده است که ۲۳ درصد نمونه آماری مجرد و ۸۹/۵ درصد متاهل بوده اند. در بررسی وضعیت سن، داده ها حاکی از این است که در نمونه آماری، بیشترین فراوانی مربوط به سنین ۴۱ تا ۵۱ سال با فراوانی ۳۶٪ درصد است. داده های مربوط به تحصیلات حاکی از این است که ۴۳ درصد نمونه آماری دارای مدرک دیپلم و پایین تر بودند و بیش از ۳۲ درصد فوق دیپلم داشته اند. بیشترین مقدار سطح درآمد مربوط به محدوده ۴ تا ۸ میلیون تومان در ماه با ۴۷ درصد از کل نمونه است. داده های توصیفی مربوط به وضعیت شغلی ۶۲/۵ درصد بیکار و ۳۷/۵ درصد خود را شاغل معرفی نموده اند. بیشترین درصد شاغلان با ۶۶/۲۶ درصد کارمند بخش دولتی (اغلب شاغل در آموزش و پرورش) و ۲۴ درصد بقال و مغازه دار خرد بوده اند.

سنجش میزان همبستگی بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی

نتایج مربوط به بررسی رابطه بین ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی براساس ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد، نمی توان رابطه معناداری از ارتباط بین مولفه های (مشارکت و اعتماد اجتماعی)، (مشارکت اجتماعی و نهادهای محلی) استنباط کرد به عبارتی، افزایش یا کاهش میزان و کیفیت مولفه ی مشارکت اجتماعی هیچ تاثیری بر روند افزایشی و یا کاهش مولفه های اعتماد اجتماعی و نهادهای محلی ندارد و بالعکس (جدول ۳).

جدول ۳- ماتریس همبستگی ابعاد سرمایه اجتماعی

Table 3. Correlation matrix of social capital dimensions

اعتماد اجتماعی	همبستگی پیرسون	۱	اعتماد اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰.۱۵۱*
اعتماد اجتماعی	همبستگی پیرسون	۱	اعتماد اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰.۱۵۲*
سطح معناداری	سطح معناداری	-	سطح معناداری	سطح معناداری	۰.۰۲۵
نهادهای محلی	همبستگی پیرسون	۰.۱۵۱*	نهادهای محلی	همبستگی پیرسون	-۰.۰۲۶۱**
سطح معناداری	سطح معناداری	۰.۰۲۶	سطح معناداری	سطح معناداری	۰.۰۰۰
مشارکت اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰.۰۳۰	مشارکت اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰.۲۲۵**
سطح معناداری	سطح معناداری	۰.۶۶۳	سطح معناداری	سطح معناداری	۰.۰۰۱
انسجام اجتماعی	همبستگی پیرسون	۰.۱۵۲*	انسجام اجتماعی	همبستگی پیرسون	۱
سطح معناداری	سطح معناداری	۰.۰۲۵	سطح معناداری	سطح معناداری	-
جمع	جمع	۳۰۰	جمع	جمع	۳۰۰

** سطح معناداری: یک درصد؛ * سطح معناداری: پنج درصد

طبق اطلاعات جدول بالا می توان این چنین نتیجه گرفت که ارتباط تنگاتنگی بین مولفه های نهادهای محلی و انسجام اجتماعی (سطح معناداری ۰.۰۲۶۱-) برقرار است؛ به این صورت که به تناسب بهبود میزان و کیفیت کارکرد نهادهای محلی در شهر، بایستی انتظار افزایش میزان انسجام اجتماعی را داشت.

تفاوت سطح کلی سرمایه اجتماعی در شهر سراب

به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در مقیاس شهر سراب متفاوت است اما در عین حال انواع آن تغییراتی پیدا می کنند.

جدول ۴- سطح سرمایه اجتماعی با توجه به مقیاس فضایی شهر سراب

Table 4. The difference in the level of social capital according to the spatial scale of Sarab

متغیر	شاخص	گویه	میانگین رتبه ها در مقیاس کل شهر	U Man Vitny	sig
سرمایه اجتماعی به هم پیوستگی (BOSC)	اعتماد غیر رسمی	اعتماد به خویشاوندان و دوستان نزدیک	۶۶۲/۹۹	۶۰۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
		دریافت کمک مالی از دوستان نزدیک و خویشاوندان	۵۶۲/۰۰	۴۰۰/۹۹۰	۰/۰۰۰
	رسمی	اعتقاد به انجام فعالیتهای اقتصادی و کسب و کار با مشارکت خویشاوندان و دوستان نزدیک	۶۶۱/۸۹	۵۸۱/۴۵۸	/۰۰۰
		مشارکت همسایگان و تشریک مساعی نقش مهمی در کاهش مشکلات شهر و محله ما دارد	۵۲۱/۹۹	۴۵۰/۰۰۲	۰/۰۰۱
		کارهای گروهی موفقیت بیشتری نسبت به کارهای فردی دارد	۶۵۲/۹۷	۵۶۲/۱۴۷	۰/۰۰۴

۰/۰۰۲	۵۸۳/۸۹۹	۶۳۲/۰۰	علاقه دارم در کارهای مربوط به مشکلات محله و شهر با همسایگان مشارکت داشته باشم	مشارکت اجتماعی	سرمایه اجتماعی اتصال (BRSC)
۰/۰۰۰	۴۸۹/۶۵۴	۶۶۱/۹۹	اعتماد به همسایگان و غریبه ها	اعتماد تعمیم یافته	
۰/۰۰۱	۶۰۰/۵۶۴	۶۶۱/۰۰	همکاری مردم شهر در مسائل بهداشتی و آسیب های اجتماعی		
۰/۰۰۰	۴۸۸/۰۰۱	۵۷۱/۴۸	حضور در فعالیتهای مدنی مانند عضویت در نهادهای غیر رسمی (NGO)	مشارکت مدنی	
۰/۰۰۱	۵۰۰/۲۵۸	۵۴۱/۶۳	پیگیری مسائل اجتماعی - اقتصادی جامعه از طریق شبکه های ارتباطی		
۰/۰۰۰	۵۷۴/۵۸۶	۶۲۱/۰۰	سوال از ماموران دولتی یا نمایندگان مجلس درباره مشکلات جامعه		
۰/۰۰۱	۳۸۹/۰۰۰	۴۵۶/۹۸	تلقی از توانایی خود در تاثیر گذاری در امور شهر		

جدول بالا حاکی از آن است به طور کلی میزان سرمایه اجتماعی در شهر سراب بالا است. همچنین در بعد شناختی، سرمایه اجتماعی از جمله علاقه مندی به مشارکت اجتماعی و تشریک مساعی و اعتقاد به موفقیت بیشتر کارهای گروهی در مقایسه با کارهای فردی سطح معنی داری کمتر است. با این حال مقایسه پاسخ های داده شده به گویه های متناظر با هر شاخص سطح کلی سرمایه اجتماعی نشان می دهد علیرغم وضعیت نامناسب اقتصادی و کالبدی، اما نیروی موثر سرمایه اجتماعی به عنوان یک زیرساخت زیرساخت زیست پذیری از وضعیت بهتری برخوردار است.

نتیجه گیری

اجتماعات محلی در طول زمان و در گستره فضای محلات شکل ویژه خود را پیدا می کنند که نمونه مهم این فرم ویژه و خاص همانا سرمایه اجتماعی است. رابطه اجتماعی، عنصر پیوند دهنده کنشگران منفرد به یکدیگر است که این عنصر تحت تاثیر اندازه شهر می تواند کیفیتهای متفاوتی به خود بگیرد. یکی از مفاهیم منتج از این روابط، مفهوم سرمایه اجتماعی است که مولود روابط کنشگران در بازی های مکرر است. با توجه به سطح گسترده روابط و مناسبات اجتماعی از نظر مولفان زیست پذیری پیامد فضا مناسبات انسانی در شهر و سرمایه اجتماعی است که توسط اندیشمندانی مانند پوتنام، بوردیو و کلمن و به نظام فکری توسعه و تحول صلح آمیز جوامع شهری مطرح شده است. با توجه به تنوع آداب و رسوم و سنن اجتماعی در جوامع شرقی به نظر می رسد سرمایه اجتماعی در قیاس با رشد فردگرایی و مالکیت خصوصی در جوامع غربی از وضعیت بهتری برخوردار باشد بنابراین نظام مدیریت شهری کشور می تواند با توجه به وضعیت



مجله علوم جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، دوره ۲۰، شماره ۴۷، تابستان ۱۴۰۳، صص ۶۳-۸۱

نامناسب سرمایه های مالی و فیزیکی در بودجه های شهرداری و ترازهای پی در پی منفی، از زیرساخت سرمایه اجتماعی به صورت مطلوبی استفاده نمایند.

چنانکه در تحقیق ما مشخص شد و در جدول ۴ نیز به صورت کمی و آزمون رگرسیونی نشان داده شده است شاخص های متغیر سرمایه اجتماعی به غایت تاثیر زیادی در زیست پذیری شهر سراب دارد. با توجه به بافت اجتماعی - اقتصادی متباین موجود در ساختار فضایی سراب و ساختار سنتی روستایی - شهری در برخی قسمت های شهر، توجه به سرمایه اجتماعی در بازساخت فضای اجتماعی زیست پذیری بسیار تاثیرگذار است.



منابع

akhbari M, ebrahimi H. Domestic policy variables affecting the geopolitical environment around the republic Islamic Republic of Iran(Case Study: Caspian Sea Countries. Journal of Geographical space, No. 76, Vol. 21, PP:119-133. [In Persian]

Aulia, D. N. (2016). A framework for exploring livable community in residential environment. Case study: public housing in Medan, Indonesia. *Procedia-social and behavioral sciences*, 234, 336-343

Andrews R.(2008), Civic Engagement, Ethnic Heterogeneity and social capital in urban areas: evidence from England, urban affairs review, Vol.44, No.3,pp: 428- 440

Besser T.(2009), Changes in small town social capital and civic engagement, Rural studies, No.25, p: 185-193 Blanco H., Cambell T.(2006), social capital of cities: emerging networks of horizontal assistance, available at: www.elsevier.com

Castells., M.,(210), Network society: the age of information, economy, society and culture, trans by, Aligolijan, A., Khakbaz, A., Paya,A., Tarh-e- No Press.[in parsian]

Chuang Y.C, Chuang K.Y,(2008), Gender differences in relationships between social capital and individual smoking and drinking behavior in Taiwan, Social science and Medicine, No.67,pp: 1321- 1330

Gutberlet, J. (2023). Grassroots eco-social innovations driving inclusive circular economy. *Detritus*, (22), 3, 2-12.

Harper R., Kelly M.(2003), Measuring social capital in the united kingdom, available at: statistics.gov.uk/social-capital

Harvey, D., (2003), social justice and the city, translated by Farrokh Hesamian , Mohammadreza Haeri, Behrooz Monadizade, Press of urban planning company , second print . [in Persian]

Harm Kaal,(2011), A comprehensive concept of social innovation and its implications for the local context–on the growing importance of social innovation ecosystems and infrastructures. *European planning studies*, 28(3), 454-474.

Huang J., Brink M.V.D, Groot W.(2009), A meta- analysis of the effect of education on social capital, *Economics of education review*, No.28,pp: 454-464

Doost Mohammadian, H., & Rezaie, F. (2019). Sustainable innovative project management: Response to improve livability and quality of life: Case studies: Iran and Germany. *Inventions*, 4(4), 59.



Field J., (2009), *Social Capital*, translated by, Ghaffari, G., and Ramezani, H., Published by Kavir. [in Persian]

Ishihara H., Pascuala U.(2009), *social capital in community level environmental governance: a critique*, ecological economics, No.68,pp: 1549-1562

Mohan J., Twigg L.,Barnard S., Jones K.(2005), *Social capital, geography and health: a small-area analysis for England*, Social science and Medicine,No.60, pp: 1267-1283

Palatzo, P., (2011), *Urban Renewal, Community and Participation, Theory, Policy and Practice*, Publisher: Springer; 1st Ed.

Patrik ., T., F., (2002), *welfare Theory, what is the social plicy?* Trans by Homayunpoor, H., Gam e No Press, 1st print[in Persian] ,

Piri I., (2011), *scientific explanation of good governance and communicative efficiency, the case of study city system of east Azarbaijan*, ph.D thesis . university of Tabriz. [in Persian]

Poortinga W.(2006), *social relations or social capital? Individual and community health effects of bonding social capital*, social science and medicine, No.63, pp: 255- 270

Sen A. (2009), *Development as freedom*, Oxford university press

Setijanti&others, P., (2014), *A new approach to measuring the liveability of cities: the Global Liveable Cities Index*. World Review of Science, Technology and Sustainable Development, 11(2), 176-196.

Shomali, M., Hajializadeh, J., Hamidzadeh khiyavi, S., Nazmfar, H., (2002), *Assessing the Suitability of Tabriz Metropolitan Development with Urban Livability Approach*, Journal of Geographical space, No. 79. Vol. 22.PP: 157-183. [in Persian]

Snelgrove W.J, Pikhart H. Stafford M.(2009), *A multi level analysis of social capital and self – rated health: evidence from the British household panel survey*, social science and medicine, No.68, pp: 1993- 2001

Suzuki E., Takao S. Subramanian SV., Kumatsu H., Doi H., Kawachi I. (2010), *Does low work place social capital have detrimental effect on worker’s health?* Social science and Medicine, No.70, pp: 1367- 1372

Swoodhooz, .(2016), *Contextual social capital as a risk factor for poor self – related health: A multi level analysis*, Social science and Medicine, N. 66, pp: 2268-2280

Tajbakhsh, K., (2006), *social capital, trust, Democracy and development*, translated by Afshin Khakbaz, Hassan Pouyan, Shirazeh press. [in Persian]



مجله علوم جغرافیایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، دوره ۲۰، شماره ۴۷، تابستان ۱۴۰۳، صص ۸۱-۶۳

Titeca K., Vervisch T.(2008), The dynamics of social capital and community associations in Uganda: linking capital and its consequences, world development, Vol.36,No.11,pp: 2205-2222

Walstrom C. Svendsen G. Lind H. (2008), On the capitalization and cultivation of social capital: towards a neo- capital general science?, socio- economics, No.37,pp: 1495-1514

Zhang X.,Fan SH.,Zhang L.,Huang J.(2004), **Local governance and public goods provision in rural China**, Public Economics,No.88,pp: 2857-2871